

از لنده تا تکریت

(خاطرات دفاع مقدس)

راوی و نویسنده:

سید حجت هاشمی

www.ketab.ir

سرشناسه: هاشمی، سیدحجت، ۱۳۴۹-

عنوان و نام پدیدآور: از لنده تا تکریت/ راوی و نویسنده سیدحجت هاشمی.

مشخصات نشر: تهران: انتشارات آناپنا، ۱۴۰۰.

مشخصات ظاهری: ۲۸۸ ص.: مصور (رنگی): ۵/۱۴×۲۷ س.م.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۳۸۸-۶۰-۳

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

یادداشت: این اثر با حمایت مدیریت ادبیات و تاریخ دفاع مقدس اداره کل حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع

مقدس استان کهگیلویه و بویراحمد منتشر شده است.

موضوع: هاشمی، سیدحجت، ۱۳۴۹-

موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ -- خاطرات

Iran-Iraq War -- ۱۹۸۰-۱۹۸۸ -- Personal narratives

اسیران جنگی -- ایران -- خاطرات

Prisoners of war -- Iran -- Diaries

شناسه افزوده: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس. اداره کل حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس

استان کهگیلویه و بویراحمد، مدیریت ادبیات و تاریخ دفاع مقدس

رده‌بندی کنگره: DSR۱۶۲۹

رده‌بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۴۳۰۹۲

شماره کتابشناسی ملی: ۸۷۵۶۵۷۳

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیا



نشر فاینا

اداره کل حفظ آثار و نشر ارزش‌های
دفاع مقدس کهگیلویه و بویراحمد

از لنده تا تکریت

(خاطرات دفاع مقدس)

دکتر سید حجت هاشمی

امور هنری: موسسه گل بی‌منت بارون

صفحه‌آرا: موسی حسینی

طراح جلد: محمدرضا چشمه

شمارگان: ۵۰۰ جلد

چاپ اول: ۱۴۰۰

چاپ: مهرگان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۳۸۸-۶۰-۳

صد و سی هزار تومان

این اثر با حمایت مدیریت ادبیات و تاریخ دفاع مقدس اداره کل حفظ آثار و نشر ارزش‌های
دفاع مقدس استان کهگیلویه و بویراحمد منتشر شده است.

نشانی: تهران/ خیابان آزادی/ ابتدای خوش شمالی/ پلاک ۹/ طبقه ۱/ واحد ۵

تلفن: ۰۹۱۲۵۲۷۲۸۵۸/۰۹۲۱۳۲۵۲۸۵۸/۰۲۱۶۶۴۳۳۱۳۱

ایمیل: anapananashr@gmail.com

اینستاگرام: @anapanabook

❦ فهرست مطالب ❦

۱۱.....	سرآغاز.....
۱۵.....	بخش اول.....
۱۷.....	فصل اول.....
۲۱.....	فصل دوم.....
۲۷.....	فصل سوم.....
۳۳.....	بخش دوم.....
۳۵.....	فصل چهارم.....
۵۷.....	فصل پنجم.....
۶۳.....	بخش سوم.....
۶۵.....	فصل ششم.....
۷۵.....	فصل هفتم.....
۷۹.....	فصل هشتم.....
۸۷.....	فصل نهم.....
۹۱.....	فصل دهم.....
۹۷.....	فصل یازدهم.....
۱۰۱.....	بخش چهارم.....
۱۰۳.....	فصل دوازدهم.....
۱۱۳.....	فصل سیزدهم.....
۱۱۹.....	فصل چهاردهم.....
۱۲۹.....	فصل پانزدهم.....
۱۳۷.....	فصل شانزدهم.....
۱۴۱.....	فصل هفدهم.....
۱۴۷.....	فصل هجدهم.....

۱۵۱.....	فصل نوزدهم
۱۵۳.....	فصل بیستم
۱۵۵.....	فصل بیست و یکم
۱۵۹.....	فصل بیست و دوم
۱۶۱.....	فصل بیست و سوم
۱۶۵.....	فصل بیست و چهارم
۱۶۹.....	فصل بیست و پنجم
۱۷۳.....	فصل بیست و ششم
۱۷۹.....	فصل بیست و هفتم
۱۸۳.....	فصل بیست و هشتم
۱۸۷.....	فصل بیست و نهم
۱۸۹.....	فصل سی ام
۱۹۵.....	فصل سی و یکم
۲۰۱.....	فصل سی و دوم
۲۰۹.....	فصل سی و سوم
۲۱۹.....	فصل سی و چهارم
۲۲۷.....	فصل سی و پنجم
۲۳۳.....	فصل سی و ششم
۲۳۵.....	فصل سی و هفتم
۲۳۷.....	فصل سی و هشتم
۲۳۹.....	فصل سی و نهم
۲۴۱.....	فصل چهل
۲۴۳.....	فصل چهل و یکم

۲۴۷.....	بخش پنجم
۲۴۹.....	فصل چهل و دوم
۲۵۵.....	فصل چهل و سوم
۲۵۷.....	فصل چهل و چهارم
۲۶۱.....	فصل چهل و پنجم
۲۶۹.....	تصاویر و مستندات
۲۶۹.....	تصاویر و مستندات

سرآغاز

در ۳۱ شهریورماه سال ۱۳۵۹ هجری شمسی صدام حسین، دیکتاتور وقت عراق با تصمیم و برنامه از پیش تعیین شده و با تحریک، تشویق، هدایت و پشتیبانی سران استکبار و استعمارِ بلوک غرب به ویژه آمریکا و حمایت بی دریغ بلوک شرق (شوروی سابق)، طوفان سهمگین جنگ تحمیلی را برای برانداختن نظام نوپای جمهوری اسلامی به راه انداخت. صدام حسین ابتدا در برابر دوربین های تلویزیون عراق ظاهر شد و قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر را پاره پاره کرده و آنگاه به صورت نمادین با شلیک اولین توپ به طرف ایران به طور رسمی جنگ را آغاز کرد.

در داخل کشور نیروهای نظامی هنوز سرگرم بازسازی و ساماندهی بودند و جناح های وابسته به شرق و غرب با ایجاد هیاهوی تبلیغاتی و درگیری نظامی به دنبال تضعیف ارکان نظام بودند. جوامع عرب نیز با دفاع تمام عیار خود از دیکتاتور عراق، آن جنگ نابرابر را «قادسیه صدام» نام نهادند و با این کار به آن جنگ تحمیلی به طور رسمی، رنگ و بوی ایدئولوژی و دینی دادند.

رهبر کبیر انقلاب با ژرف اندیشی عمیق در برابر این اتحاد نامیمون استعمار و ارتجاع منطقه، نام «دفاع مقدس» را بر سر زبان ها انداخت که ظرف چند ماه موازنه قدرت را به نفع ایران رقم زد.

ملت ایران به زودی دریافت که دفاع در قانون طبیعت از جمله اصول بقاء و حفظ جان، شرافت انسانی و عقیده و باورهاست. فرماندهان و رزمندگان با

تمسک به آموزه‌های اسلامی، نهضت عاشورا و فرهنگ شهادت این دریافت ملت ایران را در لایه‌های زیرین جامعه نهادینه کردند.

در دوران دفاع مقدس به جهانیان ثابت کردیم که جنگ، نامیمون و نامبارک است اما دفاع، حماسه دلبستگی به میهن و حدیث دلدادگی به شرف و انسانیت است. راز سر مهر دفاع مقدس همین حماسه دلبستگی و همین حدیث دلدادگی بوده است. در آن دوران، جوانان رشید ایران مسئولیت تام دفاع مقدس را به عهده داشتند و در تاریخ لحظاتی آفریدند که انسان‌های شرافتمند را به حضور در آن لحظات ترغیب و تحریض می‌کرد.

پس از اتمام جنگ به تدریج فرهنگ و هنر انقلاب و دفاع مقدس ایجاب کرده است تا آثار مکتوب این دفاع، خلق و تولید گردد تا هم ارزش‌ها و فرهنگ دفاع مقدس، ایثار و مقاومت جاودان و مانا بماند و هم این آثار پلی ارتباطی میان نسل گذشته و آینده باشد.

این جانب با همین هدف و همین انگیزه به ثبت و ضبط خاطرات خود پرداخته است. گرچه چهار تابستان دوران دبیرستان را در دفاع مقدس گذرانده است اما این کتاب به خاطرات چهارمین اعزامش که به اسارتش منتهی شد مربوط می‌شود. در طی این مرحله از اعزام، نگرش‌ها، گرایش‌ها و رفتارهای همگن، متوازن و منسجمی به وجود آمد که شاید برای خوانندگان به‌ویژه جوانان عزیز این مرز و بوم شیرین و اثرگذار باشد.

نوشتن این خاطرات را در عراق شروع کردم و پس از آنکه آنها را به ذهن می‌سپاردم به هر طریق ممکن محوشان می‌کردم. پس از آزادی، آنچه را در حافظه داشتم روی کاغذ آوردم و ابتدا برای دل خود نوشتم. آن دل‌نوشته‌ها را به شیوه ادبی و کتابی به رشته تحریر درآوردم. آنها سرشار از آرایه‌ها و صناعات ادبی، تلمیحات تاریخی، قرآنی و احادیث و هم‌چنین شواهد شعری فراوانی بوده است. آنگاه متوجه شدم این خاطرات، خواننده را سردرگم و

رنجیده‌خاطر می‌کند و رنگ و بوی تصنع، شعار، شعر و دل‌نویسته به خود گرفته است. سپس اضافات و حاشیه‌ها را ستردم و آنها را به شیوه ساده و روان بازنویسی کرده‌ام.

لازم به یادآوری است چون این خاطرات، مشتمل بر حوادث واقعی از یک اعزام (از خانه تا خط مقدم و اسارت) بوده شکل داستان به خود گرفته است و جاهایی مرز داستان و خاطره را درنور دیده است. در این شیوه، عمده و هدفی در کار بوده است تا جوانان بهتر با شرایط دوران دفاع مقدس آشنا شوند. در ابتدای این خاطرات از برخی لغات به زبان لری استفاده شده است تا به زبان رسمی، پویایی و زیبایی ببخشد.

هر چهار دندان عقلم، زیر بار مصائب و شدائد در اردوگاه‌های عراق، سر باز کردند. بلااتهام با ترکش خمپاره، سوراخ سوراخ شد اما خداوند، توفیق شهادت را به من ارزانی نداشت. ظاهراً آن قدر سمن بود که یاسمن گم شد، ولی سعادت زنده ماندن را به من عطا بخشید تا این خاطرات را بنگارم و زمانی به دست یک جوان ایرانی برسد تا با مطالعه آن، تجارب زندگی مرا به کار بندد و بهتر از من به کشورش خدمت کند.

برای رعایت اختصار و اصالت گفتار از درج خاطرات دیگر دوستان و در نشینان خندق در این کتاب پرهیز کردم و با پوزش از محضر یکایک آنها از کسی کمک نگرفته‌ام تا خدای ناکرده، نام کسی از قلم نیفتد و مشمول «آدم ثواب کنم، کباب شدم» نشوم.

این کتاب را در پنج بخش نوشته‌ام؛ در بخش اول به نحوه ایجاد انگیزه برای اعزام و حال و هوای دوره جوانی، در بخش دوم به استقرار در خط مقدم و حوادث مربوط به آن، در بخش سوم به نحوه اسارت و مقاومت در خندق، در بخش چهارم به اتفاقات زندگی اردوگاهی در عراق و در بخش پنجم به روزهای آزادی و پس از اسارت پرداخته شده است.